
بررسی دلایل ارتکاب جرم در زنان و دختران مراجعه کننده به مراکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهرکرد (15 تا 45 ساله - سال 1388)

دکتر افسانه وارسته فر*، دکتر حسن‌هاشمی داران**، نرگس رفیعی***

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است که با رویکرد بررسی دلایل ارتکاب جرم در زنان و دختران مراجعه کننده به مراکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهرکرد، با توجه به آسیب‌هایی که زندگی مراجعان را به خطر انداخته است، زمینه‌های سبب ساز حضور زنان در موقعیت‌های ارتکاب جرم شناسایی شود. پس از آن در جهت استفاده بهتر از امکانات مراکز اورژانس اجتماعی و سازمان‌ها و نهادهای همکار برای بهبود شرایط، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد. توجه ویژه به آسیب‌های اجتماعی به عنوان معضلی مخرب برای سلامت جامعه و نیز ارتباط تنگاتنگ آن با جرم و ناامنی، پژوهشگر را بر آن داشت تا به مطالعه این امر در مراکز اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی بپردازد. جغرافیای ویژه استان چهارمحال و بختیاری و قرار گرفتن در رده استان‌های محروم، ظن وجود ارتباط بیشتر بین آسیب اجتماعی و ارتکاب جرم در زنان را افزایش می‌دهد. دلیل انتخاب این استان برای مطالعه همین امر است. این مقاله با توجه به ماهیت موضوع، از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. از لحاظ روش شناسی پایه‌ای کیفی دارد و از لحاظ الگوی مفهومی مبتنی بر نظریه خرده فرهنگ، نظریه بوم شناسی انسانی¹ و نظریه حقوق شهروندی² است. با استفاده از الگوی مفهومی پژوهش پنج پرسش در مورد با مراجعان مطرح شد. جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، جستجوی اینترنتی، اسنادی و میدانی است. ابزار گردآوری داده‌ها مطالعه اسناد³، مصاحبه نیمه ساختارمند⁴ و مشاهده غیرمستقیم⁵ (منازل، محله‌ها و مناطق جغرافیایی مربوط به موضوع مطالعه) است. جامعه این مطالعه گروهی از متخصصان و کارشناسان امر، مددجویان مراجعه کننده در سال 1388 و پرونده تمامی مددجویان مجرم و در معرض جرم در مراکز طی سال‌های 1378 تا 1388 است. براساس نتایج حاصل از محاسبه فراوانی‌ها، روش تحلیل اسنادی و تحلیل محتوا، فراوانی دلایل ارتکاب جرم به ترتیب دلایل خانوادگی، دلایل شخصی و فردی، دلایل فرهنگی، دلایل اقتصادی و دلایل بومی قرار هستند.

کلیدواژه‌ها

آسیب‌های اجتماعی، جرایم زنان، مراکز اورژانس اجتماعی، شهرستان شهرکرد.

*استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. avarastefar@yahoo.com

**استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. daran_14444@yahoo.com

***دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

¹ Human ecology

² Civil rights

³ Study documents

⁴ deep/ Semi structured Interview

⁵ Indirect Observation

مقدمه

در این مقاله با رویکرد بررسی دلایل ارتکاب جرم در مراجعان مراکز اورژانس اجتماعی، به مطالعه موردی شهرستان شهرکرد می‌پردازیم. در این راه موانع و محدودیت‌هایی وجود داشته است. به دلیل نوع ابزار، شرایط و حساسیت‌های جامعه، در دسترس نبودن همیشگی افراد جامعه و عدم درج عنوان مجرم در بیشتر پرونده‌ها، زمان زیادی صرف مطالعه و بررسی جرایم زنان جامعه آماری شده است. لذا برای تبیین موضوع، ابتدا مبانی نظری تحقیق به صورت اجمالی مرور می‌شود، سپس روش تحقیق، جامعه، نمونه آماری، روایی، پایایی، ابزار تحقیق، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب روش‌شناسی تحقیق توضیح داده خواهد شد. پس از آن یافته‌های تحقیق بررسی و تحلیل می‌شود و در پایان به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

طرح مسأله

سنت و عرف و باور عامه در جامعه، زنان را به دلیل محدودتر و مسطورتر بودن، افرادی بی‌خطر و بی‌اثر در بروز انحراف‌های اجتماعی می‌داند. علی‌رغم این باور، ارتکاب روزافزون جرایم در میان زنان، پژوهشگر را بر آن داشت تا به دنبال یافتن علت در زندگی زنانی باشد که در جامعه نسبتاً سنتی ایران و به ویژه استان چهارمحال و بختیاری و روستاهای محروم و دورافتاده این استان دست به اعمالی می‌زنند که اکثریت جامعه نمی‌پسندد. در فرهنگ و تفکر ساکنان برخی از مناطق، ارتکاب عمل خطا توسط زنان پذیرفته نیست و امکان بازگشت و اصلاح فرد خطاکار، وجود ندارد. آنچه مهم است و نباید نادیده انگاشته شود، موارد ارتکاب جرم و عوامل زمینه‌ساز آن است. بی‌اعتقادی به لزوم و حق آموزش علمی و عملی و سلب حق انتخاب برای آنان، اغفال یا اجبار در ارتکاب جرم، بی‌ارزش شمردن وجود زنان و اضطراب ناشی از آن، احتمال سوق دادن زنان به سمت جرم را بالا می‌برد.

دگرگونی‌هایی که در شیوه زندگی اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی زنان در جهت بهبود جایگاه و ارزش فردی و گروهی آنان پدید آمده است، در میزان و الگوی ارتکاب جرم آنان نیز به چشم می‌خورد (شادی‌طلب، 1381: 67). براساس گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات زندان، ایران در میان 197 کشور جهان از لحاظ فراوانی زنان زندانی رتبه 81 را داراست. در عین حال، براساس گزارش نیروی انتظامی تعداد محکومان زن از سال‌های 60-80، چهار برابر شده است (سراجزاده و نوربخش، 1386: 36-39). زن در بیشتر خانواده‌های ایرانی مسئول مستقیم پرورش و تربیت فرزندان است. اگرچه مادران در برخی از مناطق به میزان لازم حق تصمیم‌گیری در مورد فرزندان خود را ندارند، الگوبرداری فرزندان به ویژه فرزندان دختر از مادر بیشتر است. بنابراین شاید بتوان این گونه استنباط کرد که در صورت کجروی مادران و دختران (به عنوان مادران آینده)، نظم و انسجام ساختار و روابط خانواده و جامعه بسیار بیشتر از زمانی که پدران و پسران (به عنوان پدران آینده)، مرتکب جرم شوند،

دچار اختلال و ایراد می‌شود. اگر بتوان به نحوی زمینه‌های تاریک را صیقل بخشید، دستیابی به جامعه‌ای ایمن، اولین نمود آن خواهد بود.

مبانی نظری

با توجه به هر یک از پرسش‌های مطرح شده در موضوع پژوهش، در زیر به چند دیدگاه اشاره می‌شود. سپس مروری اجمالی بر مطالعات مربوط به جرم، آسیب‌های اجتماعی و معرفی مراکز اورژانس اجتماعی خواهیم داشت.

در خصوص ویژگی‌های خانوادگی می‌توان به نظریه‌های زیر اشاره کرد: براساس نظریه فمینیستی جامعه‌پذیری جنسیتی هگن، نقشه‌های ویژه دو جنس در خانواده به کودکان منتقل می‌شود و این جریان جامعه‌پذیری بر مسأله جرم هم اثر می‌گذارد (هگن¹، 1988: 272).

براساس نظریه فمینیستی کنترل، مردان دارای آزادی بیشتری در فعالیت‌های پرمخاطره هستند و در مقابل زنان بیشتر از مردان کنترل می‌شوند. به علاوه خشونت که مردان در منزل و خارج از منزل بروز می‌دهند، بر کنترل زنان تأثیر دارد و باعث فقدان فرصتی برابر با مردان برای ارتکاب جرم در بین آنان می‌شود (همان منبع، 268-270).

در خصوص ویژگی‌های شخصی و روانی می‌توان به نظریه‌های زیر اشاره کرد: براساس نظریه کنترل عاطفی، نگرش افراد به هویت‌ها، رفتارها، محیط و احساسات و هیجانات با رفتار بین شخصی ارتباط دارد. نیروهای زیرین جامعه با ایجاد شکاف، جدایی و تحمیل انزوای اجتماعی در تداوم فرودستی و نرخ بالای جرم در طبقات فرودست نقش دارند (کالخوف²، 2002: 24).

همچنین براساس نظریه یادگیری و نقش، کج رفتاری نتیجه یادگیری ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها در چارچوب خرده فرهنگ‌های انحرافی است (صدیق سروستانی، 1385: 43). موریس در نظریه فمینیستی یادگیری و نقش فرض کرد که آنچه منجر به بزهکاری در دختران می‌شود، وجود موانعی برای ابقای روابط محبت‌آمیز و مثبت است (مانیار³، 2004: 35 و 36). میلک من در نظریه فمینیستی انگ‌زنی، خاطر نشان می‌کند که هواداران نظریه انگ‌زنی مثلاً روسپیان را به صورتی کلیشه‌ای و بیشتر از چشم "پاندازها" ترسیم کرده‌اند تا از راه ادراک‌های شخصی خودشان. لیز⁴ (1986) در بررسی‌های خود درباره دختران نوجوان، نحوه انگ زدن مردان و زنان به زنان جوان دیگر را یکی از ساز و کارهای پر قدرت کنترل اجتماعی معرفی می‌کند. به گفته لونارد در چارچوب نظریه انگ‌زنی این

¹ Hegan

² Kalkhoff

³ Maniyar

⁴ Lees

امکان نیز وجود خواهد داشت که واکنش جامعه در قبال زنان بزهکار و نحوه تأثیر این واکنش بر شناختی که آنان از خود دارند، بررسی شود (آبوت و والاس، 1387: 224).

در خصوص ویژگی‌های فرهنگی در این مطالعه از نظریه‌های زیر استفاده شده است: براساس نظریه انتقال فرهنگی ساترلند، برای اینکه شخصی جنایتکار شود، نخست باید بیاموزد چگونه وارد گروه‌های خلاف کار شود، چگونه خود را در این گروه‌ها تثبیت کند و خواسته‌های آنان را بدون نه گفتن و اندیشه درباره عواقب آنها انجام دهد (ستوده، 1381: 130-131). ادواردز¹ (1987) در پژوهشی در باب روسپیگری به این نتیجه رسید که: توضیح علت روسپی‌گری زنان ادامه توضیح علل سرکوب و استثمار آنان در جامعه مردسالار است. به گفته او، اغلب زنان و دختران به دلیل ناتوانی بالقوه در کسب درآمد مکفی، کاهش فرصت شغلی و نبود مستمری بهزیستی به فحشا روی می‌آورند. اینان همواره با این خطر مواجه‌اند که تحت تعقیب پلیس و استثمار پانداها قرار گیرند. در حالی که آنان که از روسپی‌ها سود می‌برند، همواره آزاد می‌مانند تا از زنان روسپی بهره‌کشی کنند، زیرا جایگاهی که در قانون و در اقتصاد دارند، هر روز رو به افزایش است (آبوت و والاس، 1387: 229-230).

کرکوویچ و جیوردانو در سال 1979 مطالعه‌ای انجام دادند که شامل گروهی از زنان 29-17 ساله بود. یافته‌های آنها نشان داد، زنانی که اعتقاد داشتند زنان باید وارد نیروی کار کشور شوند و درصدی از این نیرو را به خود اختصاص دهند و نقش زنان را الزاماً خانه‌داری یا مادر بودن نمی‌دانستند، کمتر مرتکب جنایت شده بودند (کرکوویچ و جیوردانو²، 1979: 477).

در خصوص ویژگی‌های اقتصادی می‌توان به نظریه‌های زیر اشاره کرد: از نظر دارندورف، شهروند و شهروندی پویاترین مفهوم اجتماعی دنیای مدرن است که مجموعه بزرگ‌تری از تفاوت‌ها را مطرح می‌کنند: حقوق رسمی و حقوقی به مالکیت فرد شهروند در می‌آید و البته دومی حقوق قابل اجرا و دارای نتایج معلوم است. حقوق شهروندی خود به خود به اشکال گوناگون در جامعه تقسیم می‌شود، اعم از حقوق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدنی و مانند آن. هر یک از اشکال فوق به بخش خاصی از نیازها و ملزومات زندگی فرد در یک نظام سیاسی حقوقی وابسته است. گیدنز³ حقوق شهروندی از نوع اجتماعی را مربوط به حوزه امتیازات و در جامعه شامل برخورداری از خدمات، آزادی‌ها و نیز رفاه اجتماعی می‌داند. این حقوق به حق طبیعی افراد برای بهره‌مند شدن از کمینه استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. این حقوق شامل حقوقی مانند مزیای بهداشتی و درمانی تأمین اجتماعی و در صورت بیکاری، پرداخت حداقل دستمزد است. کلوارد و اوهلین براساس

¹ Edwards

² Giordano & Cerkovich

³ Giddens

نظریه عدم انسجام معتقدند، انتخاب برای تصدی مشاغل گاهی وابسته به عوامل خارج از شایستگی افراد است (آبوت و والاس، 1387: 221).

در این مطالعه، نظریه‌های برای بررسی ویژگی‌های بومی مورد استفاده قرار گرفته‌اند: بر اساس نظریه بوم‌شناسی انسانی، شرایط جغرافیایی تعیین‌کننده شیوه زندگی و فرهنگ آدمی است. نظریه بوم‌شناسی فرهنگی تاثیر محیط بر فرهنگ را مطالعه می‌کند (مثلاً چگونگی اثر آب، هوا و منابع طبیعی بر فرهنگ). به عقیده بوم‌شناسان فرهنگی، شیوه‌های انطباق با محیط فیزیکی از ویژگی‌های فرهنگ است و تنها در چارچوب چنین انطباقی است که می‌توان فرهنگ را درک کرد (هریس¹، 1975، نقل از عضدانلو، 1388: 131).

مطالعات مربوط به جرم

در خصوص مطالعاتی که به بررسی جرم پرداخته‌اند، به سه دیدگاه جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات زنان اشاره می‌شود.

جرم‌شناسی شناسایی شخصیت بزهکار را مورد بحث قرار می‌دهد. هر فعلی که جامعه آن را مجازات کند، جرم محسوب می‌شود (استقانی و همکاران، 1975: 2). جرم‌شناسان تاثیر عقب‌ماندگی ذهنی، جنون، بیماری اسکیزوفرنی، بیماری پارانویا، بیماری مانی، بیماری عصبی، سایکوپات‌ها، انحراف جنسی، الکل، مواد مخدر، تأخیر در سن ازدواج و نقش مؤثر رسانه‌ها در معرفی افراد مجرم را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهند (دانش، 1384: 282).

بیشتر جامعه‌شناسان جرم را به پنج دسته تقسیم می‌کنند: جرایم کینه‌ورز، جرایم بدون قربانی²، جرایم صنفی³، جرایم یقه‌سفیدان⁴، جرایم علیه دارایی⁵، جرم علیه شخص⁶ و جرم یا تبه‌کاری سازمان یافته⁷ (عضدانلو، 1388: 235-236). همچنین تنهایی می‌گوید: هر عملی که انسان آگاهانه و با اختیار و اراده انجام دهد و بتواند آن را با میل خود مرتکب آن شود و در ضمن مغایر با قوانین یک سازمان اجتماعی باشد، جرم تلقی می‌شود (تنهایی، 1379: 512).

دیدگاه مطالعات زنان به جرم در نظریه‌های فمینیستی بازتاب می‌یابد. برخی از نظریه‌های فمینیستی در انتقاد به نظریه‌هایی که بر پایه زیست‌شناسی، ژنتیک هستند شکل گرفته‌اند. برخی از نظریه‌ها نیز در انتقاد به دیدگاه جرم‌شناسی مطرح شده‌اند. اسمارت به نظریه‌های جنسیتی که بیولوژیک و ژنتیک

¹ Harris

² crimes without victims

³ Corporate crimes

⁴ white-collar crimes

⁵ crime against property

⁶ crime against the person

⁷ organized crimes

زنان را دلیل اصلی ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم می دانند، انتقاد می کند و می گوید: در مقایسه با کارهایی که درباره تمامی جنبه های بزهکاری و خلاف کاری مردان انجام داده اند، بررسی ها درباره زنان و جرم بسیار محدود است و دانش کمی درباره طبیعت خلاف کاری زنان در دست است. چرا که جرم شناسی موضوعی متأثر از خصمشی حاکم و سلطه مردان است، خلاف کاری زنان برای نظم اجتماعی تهدیدی جدی محسوب نمی شود و از این رو موضوعی ارزشمند برای تحقیق تلقی نشده است. جرم شناسان نیز دیدگاه های کلیشه ای درباره فرودستی زنان را پذیرفته اند و عوامل دیگر را نادیده گرفته اند (گرت، 2003: 179).

آسیب های اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری

آسیب های اجتماعی به این دلیل اهمیت می یابند که اثرات مخربی بر فرهنگ و ترقی جوامع بر جای می گذارند و در سطح جامعه منجر به از بین رفتن نیروهای انسانی و اقتصادی می شوند. همچنین با توجه به اینکه آسیب های اجتماعی و جرایمی که در بستر آن روی می دهند، مربوط به بطن جامعه و قشرهای گوناگون مردمی است، برخورد امنیتی صرف با این موارد تخلقاتی برای ریشه کن کردن آن کارایی ندارد، بلکه می بایست از طریق مطالعه و پیگیری نهادهای اجتماعی با آن برخورد شود. آسیب های اجتماعی عواملی هستند که به ویژه زنان را در ارتکاب اعمال مجرمانه در تنگنا قرار می دهد و این امکان وجود دارد که برخی از جرائم مراجعان اورژانس های اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری با توجه به جغرافیای استان انواع خاصی را شامل شود - از لحاظ انگیزه، فراوانی و عامل ارتکاب. نیمی از جمعیت استان در روستاها و مناطق عشایری زندگی می کنند. همچنین میانگین بعد خانوار در مناطق روستایی و شهری استان، از میانگین کشوری بالاتر است. با توجه به غلبه معیشت روستایی و عشایری، جریان توسعه صنعت رونق چندانی ندارد. جمعیت استان چهارمحال و بختیاری یک جمعیت جوان است. همچنین نبود شغل و کمبود امکانات رفاهی سبب شده این استان در گروه استان های مهاجر فرست قرار گیرد. در کنار این مشکل، مسأله دیگر مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط شهری است.

در خصوص گسترش خدمات سازمان ها و نهادهای گوناگون به آسیب دیدگان اجتماعی با هدف کاهش جرایم، اطلاعات و آمار چندانی در ایران وجود ندارد. در نتیجه پژوهش پیش رو در این زمینه به اطلاعات اولیه (آنچه از خود پژوهش استخراج شده است)، متکی است.

اورژانس اجتماعی

مراکز اورژانس اجتماعی وابسته به سازمان بهزیستی است و در سال 1378 برای مداخله در بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی شروع به کار کردند. شماری از مهم ترین وظایف این مراکز

به شرح زیر است: 1. شناسایی آسیب‌های اجتماعی 2. فضازدایی و پیشگیری از جرم 3. خدمات مشاوره‌ای دائمی به آسیب‌دیدگان اجتماعی برای جلوگیری از انحراف مجدد آنان 4. مداخله تخصصی با هدف کاهش جرائم و جلوگیری از تشدید بحران و آسیب‌های اجتماعی و کاهش صدمات بر افشار در معرض آسیب 5. شناسایی کانون‌های بحران‌زا 6. اقدامات تخصصی در بحران‌زدایی و 7. ممانعت از ارجاع افراد به دستگاه‌های قضایی و زندان. مراکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهرکرد، هم‌زمان با سراسر کشور از سال 1378 شروع به کار کردند. در مجموع تیم متشکل از روان‌شناس، مددکار اجتماعی، پزشک، مشاور حقوقی، روان‌پزشک و مسئول مرکز و مسئول پذیرش، خدمات خود را به مددجویان عرضه می‌کنند. خدمات بخش مداخله در بحران اورژانس اجتماعی به موارد زیر مربوط‌اند: 1. اختلال هویت جنسی 2. اقدام به خودکشی 3. انحرافات جنسی 4. زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی 5. سالمند آزاری 6. فرار از منزل 7. کودک آزاری 8. معلول آزاری و 9. همسر آزاری.

پرسش‌های تحقیق

برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی مبنی بر این که دلایل ارتکاب جرم در میان مراجعان مراکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهرکرد، کدامند، پرسش‌های فرعی زیر مطرح شدند.

1. ویژگی‌های خانوادگی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
2. ویژگی‌های شخصیتی و فردی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
3. ویژگی‌های فرهنگی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
4. ویژگی‌های اقتصادی مراجعان مجرم و در معرض جرم چگونه است؟
5. مسائل بومی و جغرافیایی چه نقشی در بروز و ترویج جرم دارند؟

روش‌شناسی تحقیق

روش به کار برده شده در این تحقیق پایه‌ای کیفی دارد و از لحاظ هدف کاربردی است. روش کیفی در مواردی به کار می‌رود که هدف پی بردن به محتوای پنهان پیام‌ها باشد. نحوه گردآوری اطلاعات اسنادی و میدانی است. ابزار مورد استفاده با توجه به موضوع تحقیق، مطالعه اسناد، مصاحبه نیمه ساختارمند و مشاهده غیرمستقیم است. این تحقیق از اسفند سال 87 تا اسفند سال 88 در دست اجرا بود و جمع‌آوری اطلاعات تحقیق حدود 8 ماه یعنی از فروردین تا آبان 88 به طول انجامید.

جامعه و نمونه آماری و روش تعیین حجم نمونه

جامعه آماری شامل کارشناسان و کلیه کارمندان شاغل در بخش‌های مختلف مراکز اورژانس اجتماعی و مراکز همکار و مددجویان و نیز پرونده مددجویان مجرم و در معرض جرم است. به دلیل همکاری مسئولان امر، جامعه با نمونه برابر است و تعیین حجم نمونه به روش تمام شمار است. بنابراین با ۱۸ مددجو (تمامی مددجویان در مدت زمان تحقیق) و ۱۶ کارشناس و کارمند مصاحبه شد و ۱۷۶ پرونده مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. بازدید و مشاهده منازل، محله‌ها و مناطق جغرافیایی مربوط به موضوع نیز دو ماه طول کشید.

روایی پایایی و ابزار

برای سنجش روایی ابزار مطالعه براساس چارچوب نظری و پیشینه تحقیق، سوالات مصاحبه عمیق محقق ساخته به راهنمایی استاد محترم راهنما تدوین شد. ابتدا با دو کارمند و یک مددجو به عنوان پیش آزمون مصاحبه شد و پس از تأیید نتایج به دست آمده از راهنمای مصاحبه، مصاحبه‌ها ادامه یافت. پرسش‌هایی که در مورد آنها اتفاق نظر وجود داشت، باقی ماندند و سایر پرسش‌ها حذف شدند. در پژوهشی که با روش کیفی اجرا می‌شود، وقایع گزارش شده ممکن است از نظر تعداد محدود یا مبتنی بر دیدگاه شخصی باشد. بنابراین بهتر است پیش از نتیجه‌گیری و ارائه گزارش و پیشنهادات، اعتبار اطلاعات جمع‌آوری شده را از طریق مطالعه مجدد متون پژوهشی و حوزه‌های نظری مربوط به موضوع و بهره‌گیری از نظر استادان فن بررسی کرد و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخت. با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهشگر در تمامی مراحل اجرای پژوهش، یافته‌های تحقیق را با استادان محترم راهنما و مسئولان فن در میان گذاشته و از راهنمایی‌های ایشان بهره گرفته است. لازم به ذکر است که برای افزایش اطلاعات فردی و حصول اطمینان از اعتبار پژوهش، با شماری از قضات دادگستری و پنج نفر از ساکنان محلی از پنج روستا و منطقه عشایری جهت تکمیل و تأیید یافته‌های پژوهش، مصاحبه عمیق (نیمه ساختارمند) به عمل آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها و یافته‌ها از دو روش تحلیل اسنادی - برای سهولت بخشیدن و نشانه‌یابی اطلاعات مندرج در پرونده‌ها - و تحلیل محتوا - برای طبقه‌بندی و تحلیل محتوای پیام‌های حاصل از مصاحبه و مشاهده - استفاده شد. پس از تهیه خلاصه‌ای از یافته‌های جمعیت‌شناختی و وضعیت مراجعان، دلایل ارتکاب جرم و در معرض جرم بودن آنها بررسی می‌شود. در تحلیل محتوا به دو طریق جزء به کل و کل به جزء، فراوانی انواع آسیب‌ها در مددجویان و انواع دلایل هر مددجو بررسی می‌شود. برای طبقه‌بندی از کل به جزء، ابتدا چارچوب‌های طبقه‌بندی مشخص می‌شوند و بعد

مؤلفه‌ها در این چارچوب‌ها قرار می‌گیرند. این چارچوب‌ها عبارت‌اند از: شناخت ویژگی‌های خانوادگی، ویژگی‌های روانی و شخصی، ویژگی‌های فرهنگی، ویژگی‌های اقتصادی و ویژگی‌های بومی. در طبقه‌بندی جزء به کل، مؤلفه‌هایی را که در پاسخ‌های مددجویان و مشاهدات از نظر کیفیت با یکدیگر متناسب و شبیه بودند و می‌توانستند جزو یک گروه باشند در کنار یکدیگر قرار دادیم تا به چارچوب مشخصی دست یابیم. به عنوان مثال مؤلفه‌های طرد و بی‌اهمیتی خانواده به فرزند، تبعیض در شیوه‌های تربیتی دختر و پسر و برقراری ارتباط جنسی با محارم، از آنجا که در خانواده اتفاق می‌افتند، با یکدیگر مشترک‌اند. بنابراین می‌توانند در چارچوب مفهوم ویژگی خانوادگی قرار گیرند. هر یک از ویژگی‌های مورد مطالعه، شامل مؤلفه‌هایی هستند که در جدول شماره 1 بیان شده‌اند.

یافته‌ها

در این مقاله تلاش شد با استناد به مشکلات موجود، نارضایتی پدید آمده از آسیب‌ها و اهمیت آنها، به ویژه به مواردی اشاره شود - عوامل بومی اثرگذار بر ارتکاب جرم - که جای آن در تحقیقات دیگر خالی است یا به هر دلیل شناسایی نشده‌اند. بررسی نتایج در حوزه تحلیل اسنادی و محتوای داده‌ها انجام پذیرفت. به دلیل نوع ابزار و شرایط و حساسیت‌های خاص جامعه پژوهش، مدت زمان زیادی صرف جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مصاحبه و مشاهده شد.

الف) ویژگی های جمعیت شناختی

جدول شماره 1: خلاصه ویژگی های جمعیت شناختی مددجویان

فرآوانی	ویژگی های جمعیت شناختی	
28.4	میانگین سنی	
15	کمینه سن	
45	بیشینه سن	
16.5	مد سن	سن
27.5	میانه سن	
112	15-25 (گروه سنی جوان)	
64	26-45 (گروه سنی بزرگسال) ¹	
88	ازدواج نکرده	
88	ازدواج کرده	وضعیت تاهل
32	بیسواد	
96	ابتدایی و راهنمایی	میزان تحصیلات
46	دیپلستان و دیپلم	
2	عالی	
101	روستا	
64	حاشیه شهر	
4	مرکز شهر	محل سکونت
5	ایل	
2	استان همجوار	
3	شهر به روستا	
18	روستا به شهر	سابقه مهاجرت
167	بیکار	
2	قالیباف	
1	دامدار / کشاورز	شغل
5	کارگر	
1	کارمند	
2	بیسواد	
18	ابتدایی	
6	راهنمایی	تحصیلات مادر
150	فوق دیپلم	

151	بیسواد	
12	ابتدیی	
5	راهنمایی	
4	دبیرستان	تحصیلات پدر
3	فوق دیپلم	
1	لیسانس	
154	خانه‌دار	
4	کشاورز/ دامدار	شغل مادر
2	قالیباف	
100	بیکار/ از کار افتاده	
18	کشاورز/ دامدار	
8	کارگر	شغل پدر
2	کارمند	
15	مستمری بگير	
20	کمتر و برابر میانگین استان	
156	بیشتر از میانگین استان	تعداد اعضای خانواده
57	کمتر و برابر میانگین استان	تعداد اعضای خانواده همسری
31	بیشتر از میانگین استان	(از میان 88 ازدواج کرده)
25	کمتر از 20 و بیشتر از 35	اختلاف سنی با مادر
34	بیشتر از 35	اختلاف سنی با پدر
13	بیشتر از 10	اختلاف سنی با همسر
29	میانگین	
15	کمینه سن	گروه سنی مددجویان ازدواج کرده
45	بیشینه سن	(از میان 88 ازدواج کرده)
28.5 و	مد	
39.5	میانه	
28.5		
106	توانایی تامین مایحتاج اولیه زندگی (حداقل درآمد ماهیانه 120000 تومان)	وضع اقتصادی
70	ناتوانی در تامین مایحتاج اولیه زندگی	
60	زندگی مشترک	
73	طلاق یا ترک	وضع زناشویی والدین
43	فوت	
60	مشترک پدر و مادر	
20	پدر	
31	مادر	

19	ناپدری	نوع سرپرست
26	نامادری	
9	نامادری و ناپدری	
11	بی سرپرست	

منبع: استخراج شده از اطلاعات مندرج در پرونده های مورد بررسی

(ب) ویژگی های وضعیتی

جدول شماره 2: خلاصه ویژگی های وضعیتی مددجویان

فراوانی	ویژگی های وضعیتی	
155 21	مهر نوید	مرکز مراجعه
71 73 27 3	خود شخص نیروی انتظامی و دادگستری و زندان سازمان های حمایتی بیمارستان و شهرداری و نماینده ی مجلس	نحوه ارجاع
98 39 32 17 15 14 12 7 5 4 3 13	ارتباط نامشروع رفتار ناهنجار زنا با محارم سرقت ضرب و جرح خرید و فروش مواد مخدر و الکل خانه ی فساد جرم علیه کودک اعمال منافی عفت قتل کلاهبرداری و جعل سند سقط جنین	انواع جرایم (از میان 143 مجرم)
56 87	دستگیر یا زندانی شده دستگیر یا زندانی نشده	وضعیت دستگیری و زندان (از میان 143 مجرم)
143 33	مجرم در معرض جرم	وضعیت ارتکاب جرم (از میان 143 مجرم)
34 109	اجبار اختیار	وضعیت مجرم در ارتکاب جرم (از میان 143 مجرم)

156	وجود آسیب در ویژگی خانوادگی
122	وجود آسیب در ویژگی شخصی
122	وجود آسیب در ویژگی فرهنگی
71	وجود آسیب در ویژگی اقتصادی
69	وجود آسیب در ویژگی بومی

منبع: پیشین

پ) دلایل ارتکاب جرم

جدول شماره 3: خلاصه مهم ترین دلایل ارتکاب جرم یا در معرض جرم بودن در جامعه پژوهش

فراوانی	مقوله‌ها	
156	بعد خانوار بالا	آسیب در
124	اختلاف سنی نامناسب والدین یا همسر با مددجو	ساختار
65	ترک زندگی توسط حداقل یکی از والدین یا همسر	خانواده
50	طلاق والدین یا همسر	ویژگی‌های خانوادگی %88.6
49	فوت والدین یا همسر	
31	سرپرست خانوار بودن زن	
16	بعد خانوار بالا در خانواده همسری	
151	خشونت و آزار خانواده (شامل آزار در کودکی - ازدواج اجباری - آزار همسر)	آسیب در روبط
123	روابط خانوادگی آسیب‌زا و جو متشنج (زندگی با نامادری، ناپدری	خانوادگی
102	یا هردو - عدم پذیرش فرزند از سوی والدین - خودکشی در	
89	خانواده - روابط نامشروع جنسی با محارم)	
19	اعتیاد در میان اعضای خانواده سابقه جرم در اعضای خانواده تبعیض در شیوه‌های تربیتی دختر و پسر	
119	بی‌اعتقادی و بی‌توجهی به مسائل مذهبی و اخلاق	ویژگی‌های فردی %69.3
80	افسردگی و اختلال روانی و جنسی و جسمی	
80	خودکم بینی و عدم اعتماد به نفس	
37	اعتیاد به ماده مخدر یا الکل	
22	اختلال ذهنی نداشتن هوش و استعداد	
5	احساس تنفر از خانواده و جامعه و روحیه انتقام جو	
100	بیسوادگی و تحصیلات ابتدایی زنان و دختران	ویژگی‌های فرهنگی
100	بی‌ارزش شمردن سواد و یادگیری مهارت‌ها	
100	دید منفی جامعه به زن	

100	نقش دانش و آگاهی و سرایت اطلاعات در زندگی مردم	69.3%
100	الگوپذیری از خرده فرهنگ انحرافی	
100	نبود پویایی و سرزندگی در محیط	
171	وابستگی مالی زن و محروم بودن از تجربه شغلی	ویژگی‌های
150	منطقه سکونت و وضع بهداشتی و رفاهی نامناسب منزل و محل سکونت	اقتصادی
120	عدم پوشش سازمان حمایتی	40.3%
70	میزان درآمد پایین و بیکاری سرپرست خانوار	
69	بیکاری زنان به دلیل مشکلات جغرافیایی و بومی	
69	نوع پوشش ویژه مناطق سردسیر، محرومیت و تعصب جنسیتی	ویژگی‌های بومی
32	سوء استفاده‌های پنهان پدر و برادر و دیگر اقوام نزدیک از دختران و خواهران خود	39.2%
15	و عدم امکان دادخواهی	
14	غربتی‌ها و مسئولیت آنها برای تامین اقتصاد	
13	بیکاری مردان به دلیل شرایط جغرافیایی و مهاجرت فصلی و سالانه مردان به خارج از استان و کشور	
تنبیه شدید و تهدید و اقدام به قتل از سوی پدر یا برادر در صورت بروز خطا		

منبع: پیشین

همان‌گونه که در جامعه مورد بررسی عوامل فرهنگی و بومی تأثیرگذار بودند، در هر جامعه‌ای این دو عامل می‌تواند وجه تمایز دلایل و زمینه‌های پدیدآورنده، تسریع‌کننده یا بازدارنده بروز آسیب و جرم باشد. در ادامه، پرسش‌های مطرح شده در پژوهش و آسیب‌های مربوط مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

پرسش اول: ویژگی‌های خانوادگی مرتکبین جرم چگونه است؟

براساس فراوانی‌های به دست آمده، در مجموع 88.6% از مددجویان از لحاظ ویژگی خانوادگی دچار آسیب و نارسایی‌هایی بوده‌اند.

طبق یافته‌ها، ویژگی‌های خانوادگی به دو مؤلفه ساختار خانواده و روابط میان اعضای خانواده تقسیم شده‌اند. از 10.2 تا 100 درصد این افراد از نظر ویژگی‌های ساختاری خانوادگی و از 12.2 تا 96.8 درصد افراد از لحاظ روابط خانوادگی با آسیب مواجه بوده‌اند. ذیلاً این دو مؤلفه توضیح داده می‌شوند.

1. ویژگی‌های مربوط به آسیب در ساختار خانواده

یافته‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های ساختاری خانواده مددجویان بیان‌گر این است که: کمترین میزان (10.2 درصد) مربوط به خانواده‌هایی است که سرپرست آنها زن بوده و تمامی این زنان

بیشترین فراوانی وجود آسیب در ویژگی ساختاری مورد بررسی، به ترتیب مربوط به بعد خانوار بالا (100 درصد)، اختلاف سنی نامناسب والدین یا همسر با مددجو (79.5 درصد) و تجربه ترک زندگی توسط حداقل یکی از والدین یا همسر (41.6 درصد) است.

2. ویژگی‌های مربوط به آسیب در روابط خانوادگی

یافته‌های حاصل از بررسی روابط خانوادگی مددجویان بیانگر این است که: کمترین میزان وجود مشکل (12.8 درصد) مربوط به تبعیض در شیوه‌های تربیتی دختر و پسر می‌باشد. بیشترین فراوانی آسیب در روابط مورد بررسی، به ترتیب مربوط به خشونت و آزار خانواده (96.8 درصد)، روابط خانوادگی آسیب‌زا و جو متشنج در (78.8 درصد) و سابقه اعتیاد در میان اعضای خانواده (65.4 درصد) است.

الف) خشونت و آزار در خانواده

در بررسی خشونت و آزار در خانواده، یافته‌های زیر به دست آمد:

آزاردیدگی در دوران کودکی، در 65.5 درصد موارد به چشم می‌خورد. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به زانی است که مورد آزار همسر قرار گرفته‌اند (44.3 درصد). همچنین 31.8 درصد زنان، به اجبار خانواده، بدون هیچ شناخت و تمایلی ازدواج کرده‌اند

بیشترین نوع آزار در کودکی، آزار روانی است (39.4 درصد). آزار روانی و جسمی در درجه بعدی قرار دارد (33.3 درصد). در درجه سوم، 7.7 درصد از مددجویان، آزار جسمی، روانی و جنسی همسر را در کنار هم تحمل کرده‌اند.

بیشترین نوع آزار توسط همسر، آزار روانی و جسمی است (76.9 درصد). آزار روانی در درجه بعدی قرار دارد (10.3 درصد). در درجه سوم، 12.1 درصد از مددجویان در کودکی، آزار جسمی، روانی و جنسی را در کنار هم تحمل کرده‌اند.

در میان اعضای خانواده، همسران بیشترین سهم آزارها را به خود اختصاص داده‌اند (25.8 درصد). پدران با 13.9 درصد در رتبه دوم قرار دارند. پس از آن 13.2 درصد از برادران، خواهران خود را مورد آزار و خشونت قرار داده‌اند.

از میان ازدواج‌های اجباری، 100 درصد آنها محکوم به شکست شده‌اند. 21 درصد به طلاق انجامیده‌اند. نتیجه 60.7 درصد ترک زندگی مشترک توسط مرد و 29.4 درصد ترک زندگی مشترک توسط زن بوده است.

از میان کل مددجویانی که ازدواج کرده‌اند، 85.2 درصد مرتکب جرم شده‌اند و 22.6 درصد از مجرمان زانی هستند که ازدواج اجباری داشته‌اند.

از میان زنان ازدواج کرده‌ای که مرتکب جرم شده‌اند، 74.6 درصد پس از ازدواجشان دست به ارتکاب عمل مجرمانه زده‌اند. 20 درصد پیش و پس از ازدواج مرتکب جرم شده‌اند و 5.3 درصد فقط پیش از ازدواج مرتکب جرم شده‌اند. لازم به ذکر است جرم این 5.3 درصد ارتباط نامشروع با همسران فعلی‌شان بوده که همگی گفته‌اند قصد ازدواج دارند.

با در نظر گرفتن عامل اراده فرد مجرم، مشاهده می‌شود که 63.3 درصد از مجردها با اراده خود خلاف کرده‌اند. این میزان برای ازدواج کرده‌ها برابر است با 88 درصد.

ب) روابط خانوادگی آسیب‌زا و جو متشنج

در بررسی روابط خانوادگی آسیب‌زا و جو متشنج، یافته‌های زیر به دست آمد:

زندگی با نامادری و ناپدیری یا هر دوی آنها، در 54 درصد موارد به چشم می‌خورد. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به برقراری رابطه جنسی با محارم است (32 درصد). همچنین 15 درصد از مددجویان، در خانواده خود سابقه خودکشی حداقل یکی از اعضای خانواده را داشته‌اند.

از میان مددجویانی که با نامادری، ناپدیری یا هر دوی آنها در شرایط ناخوشایند و بی‌ثباتی زندگی کرده‌اند، 48.1 درصد با نامادری، 35.1 درصد با ناپدیری و 16.6 درصد هم با نامادری و هم با ناپدیری زندگی کرده‌اند.

از میان مددجویانی که با محارم خود رابطه جنسی داشته‌اند، 46.8 درصد مجرد و 53.2 درصد ازدواج کرده‌اند. همچنین 46.9 درصد رابطه‌ها از روی اجبار و با تجاوز عضو خانواده صورت گرفته و 53.1 درصد با اختیار و خواست فرد است.

در مجموع 20 درصد مجردها ارتباط جنسی را با اراده خود انجام داده‌اند. این میزان برای مددجویان ازدواج کرده، 82.3 درصد است.

پ) اعتیاد اعضای خانواده

در بررسی سابقه اعتیاد در میان اعضای خانواده، یافته‌های زیر به دست آمد:

همسران معتاد، 62.7 درصد از کل افراد معتاد در خانواده مددجویان را شامل می‌شدند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به پدران معتاد است (34.4 درصد). 19.6 درصد مادران مددجویان معتادند.

نکته قابل تأمل این است که: اعتیاد همسران تنها در جامعه مددجویان ازدواج کرده پژوهش معنادار است، با این حال در این بخش که فراوانی همسران معتاد در مقایسه با سایر اعضای خانواده سنجیده می‌شود، مشاهده می‌گردد که این گروه، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر 72.7 درصد از کل همسران مددجویان این پژوهش معتادند.

با در نظر گرفتن این نکته که همسران از نظر فراوانی افراد آزار دهنده در خانواده نیز، در رتبه اول قرار دارند، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود:

- بی‌توجهی خانواده‌ها به ویژه پدران به ازدواج و آینده دختران خود.
- هنجار بودن اعتیاد و بی‌اهمیت بودن این موضوع در افراد جامعه پژوهش و جوامع مشابه
- اثر مستقیم اعتیاد همسر (و البته سایر اعضای خانواده) در به آسیب کشیدن زندگی مشترک، زمینه‌سازی و تقویت عوامل ارتکاب جرایم در زنان.

تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات حاصل از آن به همراه توجه به مبانی نظری مربوط به پرسش اول نشان می‌دهد، مادران بی‌اراده فرزندان بی‌اراده و ناتوان پرورش می‌دهند. به ویژه در کشور ما که هنوز بار سنگین تربیت فرزند (بیشتر فرزند دختر) بر عهده مادر است، نداشتن مهارت‌های زندگی، ضعف و اختلال شخصیت، انحراف اخلاقی و رفتار ناهنجار و بزهکارانه مادر به مثابه الگویی علنی و عملی در جسم و جان فرزندان ریشه می‌دواند و در رفتار آنان بازتاب می‌یابد. باید توجه داشت رفتار مجرمانه پدر در خانواده‌های آسیب‌زا و متشنج و از هم گسیخته، معمولاً قهارانه است و به صورتی اجتناب‌ناپذیر بر فرزندان اثر می‌گذارد، ولی کردار مادر به دلیل جایگاه ویژه او در ذهن و زندگی فرزندان، تأثیر آرام و نامحسوسی دارد. در مادران جامعه پژوهش، بی‌ارادگی و تسلیم مطلق در برابر مردی که می‌تواند پدر، برادر، همسر و سایر مردهای فامیل باشد، در میان زنان دیده می‌شود. این تسلیم و تعظیم را می‌توان در تمامی ارکان و ابعاد زندگی بیشتر این زنان مشاهده کرد به نحوی که استقلال‌اندیشه را از آنان سلب کرده و بر این باورند که هرگز نخواهند توانست بدون اتکای به یک مرد، ولو معتاد و بیکار و بی‌عاطفه زندگی خود را سامان دهند. به همین دلیل این زنان در زندگی‌های از هم گسیخته به جای تقویت اراده و تلاش در جهت حل بحران از طریق یادگیری یا به کارگیری مهارت‌های کسب درآمد و ساختن زندگی مطلوب به دست خودشان، دختران خود را هم به تسلیم رضا دعوت می‌کنند. این امر در جامعه‌ای که ارتباطات محدود دورن گروهی برقرار است، زنان و دختران را در معرض سوء استفاده، کجروی و تقلید کورکورانه قرار می‌دهد.

زنانی که مورد احترام و محبت والدین و همسر خود نیستند، چاره‌ای جز برقراری ارتباط با جنس مخالف نمی‌بینند و در پی آن به دست خود به بحرانی دامن می‌زنند که شرایط خانوادگی و شاید دست تقدیر برایشان رقم زده است. اعتیاد و به دنبال آن سردمزاجی همسر به همراه بیکاری و ترک منزل از مسایلی است که در برخی از مناطق به وفور دیده می‌شود. ممنوعیت برقراری رابطه دوستی در گروه‌های همسالان و رفت و آمدهای معمولی در خارج از خانه و اقوام، کنترل تماس‌های تلفنی و ترس شدید دختران از آگاهی پدر و مادر از دوستی‌های آنها با جنس مخالف، نبود زبانی مشترک بین والدین و دختر برای گفتگو در باب چنین مسائلی، ناگشوده ماندن گره ارتباط و اعتماد و اتکای صحیح بین اعضای خانواده در صورت بروز مشکل، از مسایل خانوادگی مشاهده شده است.

شوهران معتاد یکی از مهم ترین عوامل اعتیاد زنان به حساب می آیند. آنها برای آنکه در موقع استعمال مواد مخدر مصاحبی داشته باشند، از سرزنش و انتقاد همسر خود بکاهند و در موقع تنگدستی و عدم تمکن مالی برای تهیه مواد مخدر، او را به کارهای ناپسند و نامشروعی نظیر گدایی، فروش مواد مخدر و خود فروشی بکشانند، زن خود را معتاد و حتی از فرزندان خویش سوء استفاده می کنند و آنها را به توزیع مواد مخدر وادار می سازند. گاه برخی از مردان معتاد، دختران کم سن و سال خود را به ازدواج با افراد مسن و ثروتمند مجبور می کنند یا به کارهای سخت وا می دارند.

زنانی که در زندگی قبلی و فعلی خود مورد بدرفتاری و خشونت همسر قرار گرفته اند، ممکن است برای غلبه بر درد، اضطراب و ترس از آن، مواد مخدر مصرف کنند یا بخواهند این درد و اضطراب را با کسی که به سخنان آنان به خوبی گوش می دهد، در میان بگذارند.

در تمامی مواردی که زن و مرد، اعتیاد، فساد اخلاقی، دعوا و اختلاف خانوادگی دارند، جرم کودک آزاری به خلاف های آنان اضافه می شود. زیرا فرزندان چنین خانواده هایی در اسفناک ترین وضعیت معیشتی و معنوی قرار دارند و به نظر می رسد راهی آشنا و قابل عبور جز مسیر خلاف در مقابل آنان چنین خانواده هایی کودکان خود را از سن پایین به جابجایی مواد مخدر وا می دارند، در خانه مبادرت به روابط نامشروع و رفتارهای محرک جنسی می پردازند، مواد مخدر مصرف می کنند و کودکان می بایست وسایل و شرایط مصرف را برای آنان فراهم سازند. بدون توجه به خطرات احتمالی و حتمی، دختران را نزد دوستان خود می فرستند یا آنها را با اقوامی که سلامت اخلاقی ندارند، در خانه تنها می گذارند یا با رها کردن آنها برای ساعتها در بیرون از منزل بدون کنترل و محافظت، آنها را در معرض تعرض رهگذرانی که بیشترشان معتاد نیز هستند قرار می دهند. این در مورد خانواده هایی صادق است که اصطلاحاً دخترشان در خانواده زندگی می کند. در چند مورد، پدر به هر دلیل و هرگاه که اراده کند، دختر را از خانه بیرون می کند و نه تنها به او اجازه بازگشت نمی دهد، بلکه اقوام و همسایه ها را نیز به شکل های گوناگون تهدید می کند که مبادا وی را بپذیرند.

بعد خانوار بالا که در اغلب افراد مورد بررسی دیده شد، سبب می گردد والدین وقت کمتری را به تربیت و رسیدگی به وضع فرزندان خود اختصاص دهند و این امر مشکلات اقتصادی را نیز به دنبال دارد.

پرسش دوم: ویژگی های شخصیتی و روانی مرتکبین جرم چگونه است؟

براساس فراوانی های به دست آمده، در مجموع 69.3 درصد از مددجویان به لحاظ ویژگی روانی و شخصی، مشکل و نارسایی هایی داشتند.

یافته های حاصل از بررسی ویژگی های شخصی و روانی مددجویان بیانگر این است که:

کمترین میزان وجود مشکل (10.2 درصد) مربوط به احساس تنفر از خانواده و جامعه و روحیه انتقام جو است.

بیشترین فراوانی در ویژگی مورد بررسی، به ترتیب مربوط به بی‌اعتقادی و بی‌توجهی به مسائل مذهبی و اخلاق (97.5 درصد)، افسردگی، اختلال روانی، جنسی و جسمی به همراه ویژگی خودکم‌بینی و عدم اعتماد به نفس (65.6 درصد) و اعتیاد به ماده مخدر یا الکل (30.3 درصد) است. زیلا به توضیح مؤلفه‌های مربوط به این ویژگی پرداخته می‌شود.

الف) افسردگی

در بررسی افسردگی، یافته‌های زیر به دست آمد:

در مجموع 27.8 درصد مددجویانی که مشکل شخصی و روانی دارند، به افسردگی مبتلا هستند.

50 درصد مبتلایان ساکن روستا، 47 درصد نیز ساکن حاشیه شهر و 3 درصد ایل نشین هستند.

با استناد به متون پرونده‌ها و محتوای مصاحبه‌ها با مددجویان و کارشناسان مراکز، می‌توان نتیجه گرفت، نبود امکانات رفاهی و بهداشتی و نبود نشاط و پویایی محیط در چنین مکان‌هایی، به همراه مشاغل غیررسمی، غیرقانونی و غیرواقعی (مشاغل کاذب) بدون داشتن پشتوانه و بیمه، کم‌حرکی زنان و دختران به دلیل نبود امکانات تفریحی و محیط امن در افسردگی زنان و دختران نقش داشته باشد.

همچنین 47 درصد از مددجویان افسرده مجرد و 53 درصد متأهل‌اند.

ب) اختلال روانی و جنسی

در بررسی اختلال روانی و جنسی، یافته‌های زیر به دست آمد:

در مجموع 27 درصد مددجویانی که مشکل شخصی و روانی دارند، به اختلال روانی و جنسی مبتلا هستند. 51.5 درصد مبتلایان ساکن روستا و 48.5 درصد نیز ساکن حاشیه شهر هستند. 60.6 درصد از مددجویان در خانواده خود سابقه بیماری‌های روانی و جنسی داشته‌اند. با استناد به متون پرونده‌ها و محتوای مصاحبه‌ها با مددجویان و کارشناسان مراکز، می‌توان نتیجه گرفت نبود نشاط و پویایی محیط در چنین مکان‌هایی، به همراه مشاغل غیرقانونی، وجود خرده فرهنگ انحرافی، مسائل ارثی و ژنتیکی، کم‌حرکی زنان و دختران به دلیل نبود امکانات تفریحی و محیط امن در بروز اختلالات روانی و جنسی زنان و دختران نقش داشته باشد. همچنین 81.8 درصد از این مددجویان مرتکب جرم شده‌اند.

پ) بیماری جسمی

در بررسی بیماری جسمی، یافته‌های زیر به دست آمد:

در مجموع 10.6 درصد مددجویانی که مشکل شخصی و روانی دارند، به بیماری جسمی مبتلا هستند.

30.77 درصد درگفتار و صدا اختلال دارند. مبتلایان به صرع و تشنج در رتبه بعدی قرار دارند (23.1 درصد). مبتلایان به روماتیسم در درجه بعدی هستند (15.38 درصد).

ت) خودکم بینی و عدم اعتماد به نفس

برای بررسی این مقوله پژوهشگر به فراوانی اقدام به خودکشی در مددجو و خانواده‌اش توجه نمود. در بررسی بیماری جسمی، یافته‌های زیر به دست آمد:

در مجموع 30.3 درصد مددجویانی که مشکل شخصی و روانی داشتند، دست به خودکشی زده‌اند. 45.95 درصد از مددجویان، پیش از آنکه مرتکب جرمی شوند، خودکشی کرده بودند، ولی پس از ارتکاب عمل مجرمانه، دیگر خودکشی نکرده‌اند. در رتبه بعدی مددجویانی قرار دارند که پیش و پس از ارتکاب جرم به خودکشی دست زده‌اند (29.73 درصد). سپس 24.32 درصد مددجویان تنها پس از ارتکاب جرم به خودکشی روی آورده‌اند. 100 درصد مددجویانی که خودکشی کرده‌اند، حداقل دوبرار دست به این کار زده‌اند. در خانواده 40.5 درصد مددجویان، حداقل یکی از اعضای خانواده خودکشی کرده است. 97.3 درصد مددجویان ابراز کرده‌اند که هدف آنها از خودکشی راحت شدن از شرایط موجود بوده است. بیشتر این افراد درک درستی از این عمل و نتیجه آن نداشتند. تنها در یک مورد (2.7 درصد) خودکشی برای جلب توجه و حمایت اطرافیان و رسیدن به خواسته شخصی بوده است.

تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات حاصل از آن به همراه میانی نظری مربوط به پرسش دوم، نشان داد احساس کمبود فردی و خانوادگی، احساس حقارت از محل زندگی خود، افسردگی، عقب ماندگی ذهنی، اختلالات جنسی و بی‌توجهی خانواده به شناسایی و درمان فرزندان بی‌علاقگی و کلافه بودن از شیوه زندگی در مناطق محروم و به دور از امکانات رفاهی، تفریحی، مراکز خرید و ... دختران را به سوی محبت متقاضیانی می‌کشاند که با وقوف بر بی‌پناهی و خودکم بینی این دختران قصد سوء استفاده از آنان را دارند و به رغم ابراز احساساتشان، هیچ ارزشی برای شخصیت وی قائل نیستند و تعهد و مسئولیتی در قبال آنان و عملی که انجام می‌دهند احساس نمی‌کنند.

پرسش سوم: ویژگی‌های فرهنگی مرتکبین جرم چگونه است؟

بر اساس فراوانی‌های به دست آمده در مجموع 69.3 درصد مددجویان در ویژگی فرهنگی، مشکل و نارسایی‌هایی داشتند.

یافته‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های فرهنگی مددجویان بیانگر این است که:

تمامی مؤلفه‌ها یا مفاهیم مطرح شده برای بررسی ویژگی فرهنگی در 69.3 درصد مددجویان، یعنی تمامی مددجویانی که مشکل فرهنگی دارند، وجود دارد. در مورد تمامی این 69.3 درصد، بیسوادی و تحصیلات ابتدایی زنان و دختران، بی‌ارزش تلقی کردن سواد و یادگیری مهارت‌ها، دید منفی جامعه به زن، نقش دانش و آگاهی و سرایت اطلاعات در زندگی، نبود پویایی و سرزندگی محیط و الگوپذیری از خرده فرهنگ انحرافی دیده می‌شود.

تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات حاصل از آن به همراه مبانی نظری مربوط به پرسش سوم، مشخص کرد، محیط جرم‌زا چه در محل زندگی و چه در خانواده علاوه بر آشنا کردن کودکان با راه‌های ناسالم زندگی کردن و درآمد داشتن، آنها را در معرض آسیب و سپس جرم قرار می‌دهد. توجه بیش از اندازه و نادرست به عکس‌العمل و قضاوت دیگران، باعث می‌شود فرصت‌اندیشیدن دربارهٔ درستی یا نادرستی بسیاری از اعمال از والدین و به ویژه پدر سلب شود و در نتیجه از دادن آزادی‌های معقول و مشروع به دختران خود خودداری می‌کنند. به عنوان مثال ممانعت از ادامهٔ تحصیل دختران در مقاطع پایین که در بسیاری از موارد دیده شد، محروم کردن و محدود کردن دختران از رفت و آمد با دوستان، اقوام، یا گردش در شهر به تنهایی و ... در برخی موارد از آثار ترس از سرزنش و حرف‌های دیگران و پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ بومی و سنتی و باورهای نادرست در مورد زن و دختر است تا نتیجهٔ استدلال و تصمیم‌گیری منطقی در اختیار قرار ندادن امکانات تفریحی و در نظر نگرفتن زمان خاصی برای پر کردن اوقات فراغت از دیگر مواردی است که در شیوه‌های تربیتی والدین برای دختران به چشم می‌خورد و این دربارهٔ پسران وجود ندارد. همین فرهنگ خانواده‌ها که ناشی از ارزش‌گذاری‌های تبعیض‌گونه به دختر و پسر است و در تمام دنیا و بیشتر از آن در آسیا، بیش از آن در خاورمیانه و بیش از آن در اقوام و قبیله‌های سنتی و بومی محروم دیده می‌شود، والدین را بر آن می‌دارد که از آغاز تولد نوزاد امکانات متفاوتی را در اختیار دو جنس قرار دهند و از آنان انتظارات کاملاً متضادی در موارد مشابه داشته باشند. انتظارات و ارزش‌گذاری‌ها به نحوی است که کفهٔ ترازوی آزادی و ارزش و احترام را به سمت جنس مذکر سنگین می‌کند و در مقابل زنان را مفعول فعل مردان می‌سازد. آشنایی و آگاهی از امکان داشتن روابط و رفتار آزاد در خارج از خانه و زمزمهٔ همراهی و رهبری افرادی که برای زنان و دختران گریخته از شرایط دشوار خانه مانند پناهگاهی در برابر سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های محیط بستهٔ زندگی تلقی می‌شوند، ابراز احساسات پسران و مردان غریبه‌ای که دختران که هیچ شناختی از آنها ندارند و قول ازدواج برای کسی که تاکنون از تجربه و درک روابط عاطفی و محبت، بی‌بهره بوده، به سادگی می‌تواند دختران آسیب دیده از مسائل اقتصادی و عاطفی در خانواده را به سوی خود جذب کند.

پرسش چهارم: ویژگی‌های اقتصادی مرتکبین جرم چگونه است؟

براساس فراوانی‌های به دست آمده، در مجموع 40.3 درصد از مددجویان در زمینه ویژگی اقتصادی، مشکل و نارسایی‌هایی داشتند.

یافته‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های اقتصادی مددجویان بیانگر این است که:

به جز مؤلفه درآمد پایین و بیکاری سرپرست خانوار، تمامی مؤلفه‌ها یا مفاهیم مطرح شده برای بررسی ویژگی اقتصادی در تمامی مددجویانی که مشکل اقتصادی دارند، وجود دارد. در همه این 40.3 درصد، وابستگی مالی زن و محروم بودن از تجربه شغلی، منطقه سکونت و وضع بهداشتی و رفاهی نامناسب منزل و محل سکونت و عدم پوشش سازمان حمایتی دیده می‌شود. درآمد پایین و بیکاری سرپرست خانوار در 98.6 درصد مددجویانی که مشکل اقتصادی دارند، وجود دارد. ذیلاً مقوله‌های مربوط به ویژگی اقتصادی توضیح داده می‌شود.

الف) حمایت مالی سازمانی

یافته‌های حاصل از بررسی حمایت‌های مالی سازمان‌ها از مددجویان بیانگر این است که:

31 درصد مددجویانی که تحت پوشش سازمانی هستند، همچنان مشکل اقتصادی دارند.

همچنین **تحلیل محتوای** داده‌ها و اطلاعات حاصل از آن نشان می‌دهد که عدم وجود ثبات و امنیت شغلی، وجود و ترویج شغل‌های غیررسمی و غیرقانونی بدون پشتوانه و خطرناکی که ناشی از شرایط و ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای محل سکونت‌اند، شرایطی پیش می‌آورند که پایگاه و شأن اجتماعی را برای برخی از ساکنان در نسل بعدی نیز تثبیت می‌کند.

ب) شهروند یا زن خانه‌دار؟

زنان مجرم در جامعه پژوهش دریافته‌اند که از احترام و حقوق شهروندی بی‌بهره‌اند و نیز برای تغییر این نگرش انگیزه‌ای ندارند و محیط را مناسب نمی‌بینند. بنابراین به گفته یکی از مددکاران اجتماعی، برای برخی از آنان ارتکاب جرایمی مانند فحشا چیزی نیست که از شأن و شخصیت آنان بکاهد یا آنان را در نزد اهالی بی‌آبرو کند. نبود حقوق شهروندی و باور به نبود آن کنترل اجتماعی را بر این زنان بی‌کاربرد می‌سازد. همچنین جا افتادن فرهنگ "زن خانه‌دار" که نیاز و دلیلی برای حضور در عرصه‌های گوناگون جامعه ندارد، در مناطق خاصی که در برگیرنده افراد جامعه پژوهش است، زنان را از نظر مالی وابسته به مردان کرده است. در نتیجه، زنی که از علم بهره‌مند باشد، نه از ثروت و جایگاه اجتماعی، قدرتی نیز در خانه و جامعه ندارد. بنابراین، محکوم بودن و مطیع بودن وی در تصمیمات مربوط به مسائل درون خانوادگی و برون خانوادگی امری بدیهی و طبیعی تلقی می‌شود.

پ) نبود امکانات و رفاه شهری و کسالت و حس خودکم‌بینی ناشی از آن

نبودن امکانات رفاهی و بهداشتی و ساختمان‌ها و بناهای ناامن و بدون تجهیزات بر سلامت جسم زنان و دختران، و بهداشت و زیبایی ظاهر آنها تأثیر سوء می‌گذارد و در پیدایش حس خودکم‌بینی و کاهش اعتماد به نفس مؤثر است. نامناسب بودن وضع مسکن و محیط مسکونی از نظر بهداشت و امکانات، روحیه را خشن و روح را فرسوده می‌کند. از طرفی انسان در هر مکان و هر زمان طالب بهترین‌هاست و عدم امکان دسترسی به موقعیت‌های بهتر و تضاد حاصل می‌تواند دلیلی برای به آسیب کشیدن زنان و دختران و ارتکاب جرم در آنان شناخته شود.

ت) مشاغل غیررسمی

عدم وجود ثبات و امنیت شغلی، وجود و ترویج شغل‌های غیررسمی و غیرقانونی بدون پشتوانه و خطرناک که ناشی از ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای محل سکونت است، شرایطی پیش می‌آورد که پایگاه و شأن اجتماعی را برای اغلب ساکنان روستا و حاشیه شهر در نسل بعدی نیز تثبیت می‌کند. منظور از مشاغل غیررسمی، مشاغل غیرقانونی یا خلاف قانونی مانند کارگری، خرید و فروش مواد مخدر، دست‌فروشی، رانندگی، گدایی، دزدی، تن‌فروشی است. برخی از این مشاغل گرچه خلاف قانون نیستند و جرم محسوب نمی‌شوند، در چارچوب قانونی مشاغل نیز تعریفی ندارند و اساساً اعلام نشده‌اند (ویژگی مشترکشان نداشتن هرگونه بیمه است). حضور پدران بیکار در خانه منجر به عصبانیت و بدرفتاری آنها با همسر و فرزندان می‌شود و به جای اینکه اثر تربیتی و حمایتی داشته باشند برای همسر و فرزندان به ویژه فرزندان دختر جوی بحرانی ایجاد می‌کنند. این امر با کمی تفاوت در مورد پدران شاغل جامعه پژوهش نیز مصداق دارد. کارگران روزمزد با تهدید جدی کارفرمایان و سرمایه‌داران مواجه هستند. درآمد آنها مستقیماً با نیاز گروه‌های جویای کارگر، آب و هوا و قیمت ابزار کار رابطه دارد. وجود چنین مشکلاتی کار و زندگی این پدران را با استرس همیشگی و آسیب‌زا همراه می‌کند و این استرس بدون شک بر رفتار و منش آنان در خانواده و جامعه اثر می‌گذارد.

پرسش پنجم: ویژگی‌های بومی مرتکبین جرم چگونه است؟

براساس فراوانی‌های به دست آمده، در مجموع 39.2 درصد مددجویان در زمینه ویژگی بومی، مشکل و نارسایی‌هایی داشتند.

یافته‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های بومی مددجویان بیانگر این است که:

بیکاری زنان به دلیل مشکلات جغرافیایی و بومی و نیز نوع پوشش ویژه مناطق سردسیر و محرومیت و تعصب جنسیتی در 100 درصد موارد به چشم می‌خورد. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به سوء

استفاده‌های پنهان پدر و برادر و دیگر اقوام نزدیک از دختران و خواهران خود و عدم امکان دادخواهی است (46.4 درصد). همچنین 21.7 درصد مددجویان را "غربتی‌ها" به عنوان یک قوم تشکیل می‌دهند، قومی که زنان و دختران آنان موظفند به هر طریق معاش خانواده را تأمین کنند.

تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات حاصل از آن به همراه مبانی نظری مربوط به پرسش پنجم نشان داد محدودیت‌هایی که در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته برای دختران و زنان نسبت به پسران و مردان وجود دارد، مانند ممنوعیت خروج از منزل، ممنوعیت برقراری ارتباط با نامحرمان و برخورد شدید با خطای این دستورات، نداشتن شناخت لازم از نادرست بودن ارتباط با محارم یا نامحرمان و آگاهی نداشتن از اصول اولیه اخلاقی و دستورات دینی در برخی مناطق، ارزش پایین شخصیت زن و پذیرش منفعلانه زنان و دختران از برخی باورهای خرافی و احساس بی‌ارزشی، از مسایلی است که در بررسی ویژگی‌های بومی مددجویان مشاهده شد. مهاجرت مردان نیز که به دلیل مشکلات جغرافیایی صورت می‌گیرد و توضیح آن در فصل پیشین آمد، خود عاملی است که منجر به پیدایش و گسترش جرایم می‌شود. بر اساس مطالعات جیمز و تورنتون، نداشتن آزادی انگیزه ارتکاب جرم در زنانی بوده که اغلب پیشینه فقر یا بیسوادی داشته‌اند (جیمز و تورنتون، 1980: 240). در برخی از روستاها افراد معدودی متناسب به "غربتی‌ها" زندگی می‌کنند که زنان و دختران آنها موظف هستند اقتصاد خانواده پدری و همسری را تأمین کنند و برای این منظور اجباراً دست به هر کاری می‌زنند، از دزدی، گدایی و کلاهبرداری گرفته تا ارتباط نامشروع و این اعمال را در هر مکانی که بتوانند و وارد شوند، انجام می‌دهند و درآمد حاصل از آن را تقدیم پدر یا همسر خود می‌کنند. این نوع زندگی دور باطلی است که زنان و دختران کولی را درون خود می‌گرداند و مجال فکر کردن و ابراز عقیده و خواستن را از آنان می‌گیرد. فرهنگ سنتی و بسته روستا، ایل و خانواده دختران و زنان خطاکار را مستوجب سخت‌ترین مجازات، یعنی مرگ می‌داند. در حالی که در مباحث جامعه‌شناسی، این افراد آسیب‌دیدگان اجتماعی هستند و به حمایت همه جانبه خانواده و جامعه نیاز دارند. دیده می‌شود که پدران و برادران دست خود را به خون دختر یا خواهر خود آلوده می‌کنند و نه تنها مادر و افراد فامیل و طایفه اعتراضی به این جرائم ندارند، بلکه خود آنها نقش حامی و هم عقیده را در چنین تصمیم‌گیری‌هایی ایفا می‌کنند.

این گونه مجازات‌های خودسرانه و متعصبانه و نیز وحشت دختران و زنان از لغزش، تنها مختص برخی از مناطق کشور است و می‌توان آن را از مسائل بومی استان برشمرد. در مجموع با مقایسه شرح وقایع و آمار جرم بین شهرکرد و دیگر شهرهای کشور و اختلاف آمار در یک زمینه و بررسی دلایل ارتکاب جرم در شهرهای گوناگون، به تفاوت شرایط بومی و منطقه‌ای و نقش مستقیم یا غیرمستقیم آن در بروز و زمینه‌سازی جرم و کجروی پی می‌بریم.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پس از بررسی و تحلیل نسبت انواع جرایمی که در زنان و دختران مراجع به مراکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهرکرد مرتکب شده‌اند، مشاهده می‌شود بیش از 77.9 درصد جرایم در حوزه جرایم غیر کیفری یا غیرعمومی قرار دارند. این جرایم شامل: فحشا، زنا با محارم، خرید و فروش و مصرف موادمخدر، اعمال منافی عفت عمومی، همکاری با خانه فساد، سقط جنین و رفتارهای ناهنجار است. با توجه به تعریف گیدنز (1383) از این نوع جرایم و همچنین تعریفی که عضدانلو (1388) از جرایم بدون قربانی داشته، این جرایم از منظر این دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، مستوجب مجازات و زندان نیستند. همچنین 69.8 درصد جرایمی که افراد نمونه پژوهش مرتکب شده‌اند، در حوزه جرایم خصوصی (طبق قانون مجازات اسلامی) تلقی می‌شوند و برخورد قانون با این گونه جرایم ملایم‌تر است. این جرایم شامل موارد ذکر شده به جز خرید و فروش مواد مخدر و اعمال منافی عفت عمومی است. نمی‌توان گفت که ارتکاب جرایم در زنان از کلیشه‌ای جنسیتی و مربوط به بیولوژی زن پیروی می‌کند، چرا که بنابه نظر انگ زنی فمینیستی و نیز نظریه نقش و نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، زنان برای قالب‌هایی که زنانه نام نهاده شده‌اند، تربیت می‌شوند خانواده و جامعه کمتر به آنها فرصت می‌دهند که وارد خشونت موجود در جامعه شوند. جرم رابطه جنسی در جامعه پژوهش دارای بیشترین فراوانی است. این جرم در برخی از مددجویان به اجبار و تهدید همسر صورت گرفته است که خود نشانه وجود آسیبی جدی در جامعه است. همسرانی که زنان خود را برای کسب درآمد وادار به رابطه جنسی می‌کنند، با پیگرد قانونی مواجه نیستند. در این موارد تنها زنان مجازات می‌شوند یا به حال خود و بدون حمایت، رها می‌شوند. وجود رفتار ناهنجار (شامل فحاشی، آزار، اذیت دیگران، ولگردی و خیابان خوابی، عدم رعایت حقوق شهروندان دیگر مانند سد معبر کردن و رعایت نکردن حق تقدم، گدایی و فالگیری) در رتبه دوم فراوانی‌ها نیز نشان از جامعه‌ای ناهنجار دارد که خانواده‌ای ناهنجار را درون خود می‌پروراند. این امر نشان دهنده تأثیر عمیق خرده فرهنگ انحرافی و به ویژه عدم وجود حقوق شهروندی که دارندورف و گیدنز تعریف کرده‌اند، بر پیدایش و رسوخ بزه در جسم و جان جامعه‌ای است که افراد پژوهش در آن درگیر هستند (گیدنز، 1374: 142). ملاحظه می‌شود که جرایم سرقت، ضرب و جرح، خرید و فروش موادمخدر از نظر فراوانی ارتکاب در جامعه پژوهش، رتبه‌های 4 تا 6 را دارند و پس از آن دایر کردن یا همکاری با خانه‌های فساد قرار دارد. در توضیح این آمار که مطابق الگوی جنسیتی جرم تعیین شده نیست، می‌توان عوامل محیطی و وجود خرده فرهنگ‌های بزهکار و تلاش برای رهایی از خشونت و آزار خانواده را دخیل دانست. از طرفی در این پژوهش، مددجویان گاه از فرط فقر و تعهد اقتصادی به خانواده دست به سرقت یا خرید و فروش مواد مخدر می‌زنند. البته در جرم خرید و فروش مواد مخدر، عامل اجبار و فشار پدر یا همسر در بسیاری از مددجویان به چشم می‌خورد. کم بودن میزان جرایمی مانند جعل سند و کلاهبرداری‌های

کلان و نیز قتل در یافته‌های این پژوهش و تحلیل‌های اسنادی و محتوایی تأیید این نظر است که زنان به ندرت خود را در موقعیت‌هایی می‌یابند که آزادانه بتوانند دست به جرایم بزرگ بزنند. منابع و فرصت‌های آنان به سادگی این فرصت را نمی‌دهد؛ سطح بالای مراقبت و مخالفت اجتماعی نیز از آن جلوگیری می‌کند" (گرت، 1382: 180). براساس نتایج تحقیق استنساپز، غالباً، زنان به طور طبیعی دست به خشونت و جرم نمی‌زنند. زنان معمولاً به دلایلی چون مورد آزار و تجاوز قرار گرفتن، وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین، وضعیت خانوادگی، فقدان مراقبت‌های بهداشتی، محروم بودن از راهنمایی‌های والدین، کنترل شدن توسط شخص دیگر، عدم آموزش و پرورش و بسیاری عوامل دیگر به سمت ارتکاب جرم هدایت می‌شوند (استنساپز¹، 2007: 35).

در انتها متذکر می‌شود که در سطح کلان و با در نظر گرفتن تمامی قشرها و طبقات جامعه، همان‌گونه که دکتر نجفی ابرند آبادی می‌گوید، تغییر نقش حضور زنان در ارتکاب جرایم از ابزار جرم در گذشته به شریک جرم و سپس به هدایت کننده نقشه جرم و ذینفع مستقیم در اکنون و آینده جامعه، ضرورت نیاز به دیگراندیشی و بازبینی بسیاری از نظرات در باب جرم را گوشزد می‌کند.

برای جمع‌بندی اشاره به امر زیر ضروری به نظر می‌رسد که مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، نارسایی‌های خانوادگی و کمبودهای اقتصادی و فرهنگی که در نتایج این پژوهش به چشم می‌خورد، از بطن جامعه برمی‌آید و در تعامل مستقیم با زندگی روزمره زنان و دختران این منطقه جغرافیایی است، به دیگر بیان، ابعاد گوناگون و گاه ناشناخته چنین مسائلی برای قشری که با آن درگیر هستند، بسیار بیشتر از دیگران - حتی متخصصان و مسئولان - ملموس و آشناست. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای تصمیم‌گیری‌های کلان در باب شناسایی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی و جرم در سطح بومی و ملی، مسئولان امر نظرسنجی‌های دقیق و عمیقی از این جوامع یا نمایندگان آنان انجام دهند. در صورت اجرای این رویه، هزینه‌های انسانی، مالی و زمانی در سطح کشوری، تا اندازه چشمگیری کاهش می‌یابد. مسئولان می‌توانند از همکاری مؤثر نیروهای مردمی در فرهنگ‌سازی عمومی و شناسایی آسیب‌ها و شیوه‌های پیشگیری و مقابله با آنها استفاده کنند. برای این منظور با راهنمایی موسوی چلک، مدیر کل دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی، شیوه‌ارائه پیشنهادها به شرح زیر تهیه شد.

پیشنهادها در سه سطح پیشگیری و آگاه‌سازی، مداخله در بحران و بازتوانی است و هر سطح نیز دو بخش نظری و عملیاتی ارائه دارد. در بخش نظری، پیشنهادهای مربوط به پیشگیری و آگاه‌سازی، مداخله در بحران و بازتوانی مطرح می‌شود و در بخش عملیاتی انواع فعالیت‌ها، گروه هدف، سازمان

مجری، سازمان همکار یا حمایتی، زمان اجرای برنامه، اعتبار مورد نیاز، چگونگی ارزشیابی، چگونگی گزارش‌دهی و چگونگی مستندسازی مشخص می‌گردد.

منابع

فارسی

- آبوت، پ. و والاس، ک. (1380). **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه: منیژه نجم نراقی، تهران: نی
- استفانی و لواسور و ژابومرلن. (1974). **جرم‌شناسی و علوم زندان‌ها**.
- تنهایی، ح. اب. (1379). **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: مرن‌دیز: نی نگار.
- دانش، ت. ز. (1384). **مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟**، تهران: کیهان.
- ستوده، ه. ال. (1376). **آسیب‌شناسی اجتماعی** تهران، نشر آوای نور.
- سراج‌زاده، ن. ب. (1385-86). **تحول جرایم زنان در دو دهه اخیر (سال‌های 1360 تا 1380)**، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 1، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا - مرکز مستندات اجتماعی.
- شادی‌طلب، ژ. (1381). **توسعه و چالش‌های زنان ایران**، تهران: قطره
- صدیق سروستانی، ر. ال. (1383). **جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی**، تهران: نشر آن.
- عضدانلو، ح. (1388). **آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**، تهران: نی
- گرت، ا. (1382). **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمه کتابیون بقایی، چاپ دوم، تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آ. (1373). **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- نیک خلق، ع. ا.، همتی، ح. (1386) **جمعیت‌شناسی و تنظیم خانواده**، تهران: نشر چاپخش

انگلیسی

- **Cerkovich, S., & Giordano, P. (1979). Delinquency, opportunity, and gender. Journal of Criminal Law and Criminology, 70. 145-151.**
- Hagan, (1987). **Modern Criminology: Crime, Criminal behavior & Its Control**, New york: McGrow- Hill, Inc.
- James & Thornton, (1980). **Journal of Research in Crime and Delinquency**. Vol. 17, No. 2, 230-244

- Kalkhoff, W. (2002). **Delinquency and Violence as Affect- Control: Reviving the Subcultural Approach in Criminology**, *Electronics Journal of Sociology*, 11983655: 1-33.
- Maniyar. (2004), **The Deviance of Woman: A Critique & an Enquiry**, *British journal of Sociology*, 19, 2: 160-175, quoted from Heidensohn, F (1968).
- Maniyar, (2000). **Self image & Delinquency: A Contribution to the study of Female Criminality & Women's image**. *Acta criminological*, Jan, quoted from Bertrand, Marie- Andree (1969).
- Stansups, L. (2007). **Why Do Women Commit Crimes?**. Newyourk, pg2

Archive of SID